

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آیا تلاوت آیات قرآن کریم و رسم الخط آن به گونه‌های متفاوت به‌ما رسیده است؟!

(ترجمه)

پرسش

السلام‌علیکم‌ورحمت‌الله‌وبرکاته!

شیخ بزرگوار، الله متعال به‌شما برکت دهد!

در فهم این حدیث دچار سردرگمی شدم و زمانی که به دیدگاه‌های علماء در این زمینه مراجعه نمودم، سردرگمی‌ام بیش‌تر شد، ممکن است لطف نموده آن را برایم توضیح دهید؟

قَالَ ابْنُ شَهَابٍ: وَأَخْبَرَنِي خَارِجَةُ بِنُ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، سَمِعَ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ قَالَ: فَقَدْتُ آيَةً مِنَ الْأَحْزَابِ حِينَ نَسَخْنَا الْمُصْحَفَ، قَدْ كُنْتُ أَسْمَعُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقْرَأُ بِهَا، فَالْتَمَسْنَاهَا فَوَجَدْنَاهَا مَعَ خَزِيمَةَ بِنِ ثَابِتِ الْأَنْصَارِيِّ: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾

ابن شهاب گفت: خارجه بن زید بن ثابت به من خبر داد که وی از زید بن ثابت شنیده که گفت: زمانی که از قرآن کریم نسخه‌برداری می‌نمودیم، یک آیت از سوره احزاب را در آن نیافتیم؛ درحالی‌که آن آیت را قبلاً خودم از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیده بودم که تلاوت می‌نمود. زمانی که جست‌وجو نمودیم آن را نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾

هنوز نمی‌دانم چرا صحابه این آیت را از وی قبول نمودند؛ با وجود آن‌که وی یک نفر است و روایت‌اش در حد تواتر نیست؛ اگر بپذیریم که شهادت وی برابر به‌شهادت دو نفر پذیرفته شده، باز هم همان پرسش مطرح است؛ زیرا شهادت دو تن نیز در حد تواتر نیست؟ برادر شما بکر شامی

پاسخ

وعلیکم‌السلام‌ورحمت‌الله‌وبرکاته!

به‌نظر می‌رسد شما مسأله چگونگی انتقال تلاوت آیات قرآن از جانب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و رسیدن آن به‌ما را با مسأله انتقال رسم‌الخط آیات قرآن؛ چنان‌که در حضور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوشته شده بود، خلط نموده‌اید. آیات به‌گونه متواتر توسط مجموع اصحاب رضی‌الله‌عنهم از جانب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم انتقال یافته تا این‌که باز به‌گونه متواتر به‌ما رسیده و این تواتر تا روز قیامت ادامه خواهد داشت؛ زیرا الله جل‌جلاله خود متعهد به‌حفظ آن شده، آن‌جا که می‌فرماید:

## ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

**ترجمه:** بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود!

اما در مورد چگونه‌گی انتقال رسم‌الخط آیات باید گفت که اصحاب نپذیرفتند که آیات را از حافظه خود بنویسند؛ بلکه تصمیم گرفتند نوشته‌هایی را جمع کنند که در حضور رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوشته شده بود. کافی بود نسخه‌هایی را که نزد اصحاب بود، جمع کنند؛ اما خود را مکلف کردند که برای مطمئن شدن در مورد هر نسخه، دو نفر شهادت دهد که این نسخه در حضور رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوشته است، که خود بیان‌گر حرص فراوان‌شان در دقت به این مسأله می‌باشد و این در حقیقت توفیقی است که الله سبحانه‌وتعالی برای حفظ کتاب کریم خویش به آنان داده بود، کتابی که باطل هیچ راهی به‌جانب آن ندارد.

## ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾

**ترجمه:** از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به‌سویش نمی‌آید. وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده.

موضوع از این قرار است که گفته شد؛ اما جزئیات آن قرار ذیل بیان می‌گردد:

### اول- موضوع جمع‌آوری قرآن کریم:

موضوع جمع‌آوری قرآن کریم را در جزء اول کتاب شخصیت اسلامی بخش «جمع‌آوری قرآن» توضیح داده‌ایم و همین کار را در کتاب «تیسیرالوصول إلى الأصول» زیر عنوان «نزول قرآن و نوشتن آن» و هم‌چنین «جمع‌آوری قرآن» انجام داده‌ایم. کسی که این پرسش را نموده می‌تواند برای به‌دست آوردن جزئیات مسأله و دلایل مفصل آن، به این دو کتاب مراجعه نماید. اینک بخشی از آن چه در کتاب ما در این زمینه تذکر داده شده را این‌جا نقل قول می‌کنم تا موضوع را به‌خواست الله سبحانه‌وتعالی به‌گونه درست آن درک نمائید:

1. بخشی از کتابم "تیسیرالوصول إلى الأصول" باب جمع قرآن:

"ابوبکر رضی‌الله‌تعالی‌عنه می‌ترسید که مبدا شمار زیادی از حافظان قرآن کریم، که آیات قرآن را به‌گونه مرتب در سوره‌های آن حفظ دارند، در جنگ‌های مرتدین به‌شهادت رسند؛ بناءً دستور داد آیات نوشته شده هر سوره در یک‌جا و به‌صورتی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن را تأیید نموده است، بنویسند. تمام قطعه‌هایی که آیات هر سوره به‌گونه پی‌درپی و مرتب در آن نگاشته شده بود، بعد از اطمینان در مورد این که آن قطعه‌ها با حضور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نگاشته شده، جمع‌آوری گردید. در مورد هر قطعه‌ای دوتن از اصحاب را شاهد می‌گرفتند که با حضور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوشته شده باشد و به‌این اکتفاء نمی‌کردند که قطعه نوشته شده با آن چه که اصحاب حفظ نموده بودند یکی باشد؛ درحالی که هر آیت توسط جمعی متواتر از اصحاب حفظ شده بود. به‌همین دلیل وقتی متوجه شدند که آخر سوره توبه "تنها نزد خزیمه نوشته شده" و کسی دیگری به‌جز خزیمه رضی‌الله‌تعالی‌عنه شهادت نمی‌دهد که آن در حضور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوشته شده، دست از جمع‌آوری آن برداشتند تا آن که دلیلی برای آن دریافتند و آن این که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شهادت خزیمه را برابر با شهادت دو مسلمان عادل خوانده است، آن‌گاه بود که آن پارچه نوشته را که خزیمه بر آن شهادت داده بود، جمع نمودند؛ درحالی که آن آیت را اصحاب به‌گونه قاطع

و کامل حفظ داشتند؛ اما این دقت به منظور اطمینان بیش تر اصحاب رضی الله تعالی عنهم اجمعین بوده؛ زیرا آنان می خواستند دست نوشته هایی را جمع آوری کنند که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشته شده بود؛ نه این که از حفظ خود بنویسند.

به این ترتیب، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه مجموع قطعاتی را جمع آوری نمود که آیات قرآن بالای آن نوشته شده بود و آن را به گونه ای مرتب نمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم تأیید نموده بود؛ یعنی قطعاتی را که آیات هر سوره در آن نوشته شده بود در یک جا و یکی پی دیگری قرار داد و این کار را به هدف جمع آوری سوره های قرآن نمود.

2. اینک از جزء اول کتاب شخصیت اسلامی بخش هایی را نقل قول می کنم که نشان می دهد حضرت ابوبکر صدیق قطعاتی را جمع آوری نمود که آیات هر سوره قرآن کریم به ترتیبی نوشته شده بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را تأیید نموده بود: «... بنابراین ابوبکر صدیق دستور نداده بود که قرآن کریم در یک کتاب واحد جمع آوری گردد؛ بلکه دستور داده بود قطعاتی که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشته شده، در یک مکان واحد جمع آوری گردد و این که با شهادت دو شاهد مطمئن شوند که دقیقاً خود همان قطعه ای است که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشته شده است. این قطعات تا زمان ابوبکر صدیق در نزدش محفوظ بود؛ سپس در زمان حیات حضرت عمر فاروق نیز نزدش محفوظ بود؛ بعداً بنا به وصیت حضرت عمر، این قطعات در نزد حفصه بنت عمر نگهداری می شد.

آن چه گفته شد در خصوص جمع نمودن قرآن توسط ابوبکر بود؛ اما در خصوص جمع آن توسط حضرت عثمان باید گفت که در سال دوم یا سوم خلافت وی؛ یعنی سال بیست و پنجم هجرت، صورت گرفت. حذیفه بن یمان در حالی که سرگرم جنگ با مردم شام در فتح ارمنستان و آذربایجان و هم چنین مردم عراق بود از اختلافی که در تلاوت قرآن میان آن مردم دید به وحشت افتاد و فوراً عازم سفر به جانب حضرت عثمان شد. ابن شهاب به نقل از انس ابن مالک می گوید: "حذیفه بن یمان در حالی که سرگرم جنگ با مردم شام در فتح ارمنستان و آذربایجان و هم چنین مردم عراق بود، از اختلافی که در تلاوت قرآن میان آن مردم دید به وحشت افتاد و حضرت عثمان را مخاطب قرار داده گفت: ای امیر المؤمنین! این امت را در یاب، پیش از آن که مانند یهود و نصاری در کتاب خویش اختلاف کنند. حضرت عثمان کسی را به جانب حفصه فرستاد و از وی خواست که تمام نسخه هایی که از قرآن در نزد خود داری برای ما بفرست؛ پس از مدتی آن را مجدداً برایت برمی گردانیم. حفصه آن را به جانب حضرت عثمان فرستاد و حضرت عثمان به زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام دستور داد که از آن نسخه برداری کنند. به مجرد این که کار نسخه برداری تمام شد، حضرت عثمان همه را برای حفصه فرستاد. سپس به هر طرف یک نسخه از نسخه های آماده شده را فرستاد و دستور داد هر نسی از قرآن در هر کجا که وجود دارد سوزانده شود و به جای آن از این نسخه فرستاده شده، استفاده شود." شمار نسخه های تهیه شده هفت نسخه بود که یکی به مکه، دیگری به شام، دیگری به یمن، دیگری به بحرین، دیگری به بصره، دیگری به کوفه فرستاده شد و یکی در مدینه نگهداری شد.

بنابراین، کاری که حضرت عثمان انجام داد، جمع آوری قرآن نبود؛ بلکه نسخه برداری و انتقال دادن عین همان چیزهایی بود که از رسول الله صلی الله علیه وسلم به جا مانده بود؛ دقیقاً چنان بود. پس حضرت عثمان کاری به جز برداشتن هفت نسخه از نسخه ای که نزد ام المؤمنین حفصه نگهداری می شد و جمع نمودن مردم بر این رسم الخط و جلوگیری از هر رسم الخط یا املائی دیگری انجام نداد. رسم الخط و املائی نسخه جدید، که دقیقاً و عیناً همان رسم الخط و املائی بود که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم در

زمان نزول آن نوشته شده بود، توسط مردم پذیرفته شد و این نسخه جدید دقیقاً همان نسخه‌ای است که حضرت ابوبکر صدیق آن را جمع‌آوری نموده بود. سپس مسلمانان شروع به نسخه‌برداری از همین نسخه جدید نمودند؛ نه هر نسخه‌ای دیگری و به این ترتیب، مصحف حضرت عثمان بود که با رسم الخط اش باقی ماند و بس. زمانی که چاپ‌خانه‌ها اختراع گردید، قرآن کریم از روی همان نسخه حضرت عثمان و دقیقاً همان رسم الخط و املاء چاپ و منتشر گردید.»

3. چنان که نمایان گردید، موضوع انتقال تلاوت قرآن نبود؛ زیرا تلاوت قرآن توسط جمع کثیری از اصحاب به گونه متواتر و قطعی از رسول الله صلی الله علیه و سلم انتقال یافته بود؛ بلکه موضوع انتقال متن نوشته شده‌ای بود که در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شده بود. بنابراین، رسم الخط موجود قرآن کریم، رسم الخط توقیفی بوده و باید تنها به آن مقید بود و نوشتن قرآن با هرگونه رسم الخط دیگری غیر از آن، حرام می‌باشد و گذشتن از آن مطلقاً جائز نیست.

لازم به ذکر است که پایبند بودن به رسم الخط عثمانی قرآن کریم، ویژه‌ای نوشتن قرآن به صورت کامل است؛ اما نوشتن بخشی از قرآن برخلاف رسم الخط عثمانی به هدف نمونه‌گیری و یا نوشتن آن روی تخته‌ها به هدف آموزش و یا سایر مواردی که قرآن به صورت کامل نوشته نمی‌شود، جایز است؛ مانند: این که کلمه ﴿الرَّبُّوا﴾ که مطابق رسم الخط عثمانی است را می‌توان به هدف آموزش روی تخته‌ها به این گونه نوشت: (الربا)؛ زیرا تأیید رسول الله صلی الله علیه و سلم و اجماع اصحاب منحصر به قرآن کریم به صورت کامل و مصحف واحد صورت گرفته و نه سایر موارد و نمی‌توان این مسأله را قیاس نمود؛ زیرا آن یک مسأله توقیفی بوده و علتی هم ندارد؛ پس قیاس شامل آن نمی‌گردد.

**دوم-** موضوع حدیثی که بخاری روایت نموده و شما در مورد آن پرسیده‌اید:

«ابن شهاب به نقل از انس ابن مالک می‌گوید: "حذیفه بن یمان درحالی که سرگرم جنگ با مردم شام در فتح ارمنستان و آذربایجان و هم‌چنین مردم عراق بود از اختلافی که در تلاوت قرآن میان آن مردم دید به وحشت افتاد و حضرت عثمان را مخاطب قرار داده گفت: ای امیر المؤمنین! این امت را دریاب، پیش از آن که مانند یهود و نصاری در کتاب خویش اختلاف کنند. حضرت عثمان کسی را به جانب حفصه فرستاد و از وی خواست که تمام نسخه‌هایی که از قرآن در نزد خود داری برای ما بفرست؛ پس از مدتی آن را مجدداً برای برمی‌گردانیم. حفصه آن را به جانب حضرت عثمان فرستاد و حضرت عثمان به زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام دستور داد که از آن نسخه‌برداری کنند و آنان این کار را کردند. حضرت عثمان به هیئت سه نفره قریشی گفت در صورتی که شما و زید بن ثابت در مورد چیزی از قرآن اختلاف داشتید، آن را با زبان قریش بنویسید؛ زیرا قرآن به زبان آنان نازل گردیده و آنان این کار را کردند. به مجرد این که کار نسخه‌برداری تمام شد، حضرت عثمان همه را برای حفصه برگرداند و دستور داد هر نصی از قرآن در هر کجا که وجود دارد، سوزانده شود.»

ابن شهاب گفت: خارجه بن زید بن ثابت به من خبر داد که وی از زید بن ثابت شنیده که گفت: زمانی که از قرآن کریم نسخه‌برداری می‌نمودیم، یک آیت از سوره احزاب را در آن نیافتیم؛ درحالی که آن آیت را قبلاً خودم از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده بودم که تلاوت می‌نمود. زمانی که جست‌وجو نمودیم آن را نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾؛ سپس آن را با سوره مربوطه آن در قرآن یک‌جا کردیم.

این حدیث نیز به وضوح در مورد مسأله نسخه برداری قرآن در زمان حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه بحث می کند؛ طوری که زید بن ثابت با سه تن دیگر مکلف شدند قرآن کریم را از روی نوشته هایی که در زمان حضرت ابوبکر صدیق جمع آوری گردیده بود و در منزل حفصه رضی الله تعالی عنها نگهداری می شد، نسخه برداری کنند؛ یعنی این که حدیث در مورد نسخه برداری از نوشته هایی سخن می گوید که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشته شده بود؛ نه در مورد انتقال تلاوت قرآن کریم. پس موضوع، نوشتن قرآن کریم در مصحف ها و با همان رسم الخطی است که در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشته شده و این مسأله الزاماً نیازی به روایت متواتر ندارد؛ بلکه خبر واحد صحیح کفایت می کند؛ اما اصحاب رضی الله عنهم خود را مکلف کرده بودند تا در نوشتن مجدد؛ یعنی نسخه برداری آن نیز دو تن شاهد حضور داشته باشند و این بیان گر حرص و اهتمام فراوان شان به این مسأله می باشد. اما تلاوت آیات قرآن کریم؛ چنان که قبلاً گفتیم جمعی از اصحاب، از رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را روایت نموده اند.

به این ترتیب به خواست الله متعال پاسخ پرسش شما کاملاً روشن گردید، اللهمی که خود متعهد شده کتاب اش را حفظ خواهد نمود:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

**ترجمه:** بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود!

**سوم-** دو مسأله دیگر باقی می ماند که نیاز به توضیح دارد:

1. آیاتی که متن نوشت شده آن به جز نزد خزیمه در جای دیگری یافت نشده.
2. آیا این آیات نزد خزیمه بوده و یا نزد ابو خزیمه؟

برای پاسخ به این دو پرسش به توفیق الله سبحانه و تعالی چنین می گوئیم:

1. در مورد مسأله اول که مربوط به آیات است باید گفت که بخاری دو روایت را به شماره های 4311 و 4604 و به متن زیر روایت نموده:

**ألف-** «4311- ابو یمان به نقل از شعیب و وی از زهری و او از ابن سباق روایت نموده اند که زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه که از جمله کاتبان وحی بود گفت که ابوبکر خبر کشته شدن مردم یمامه را به من گفت؛ در حالی که عمر نزد وی بود، گفت که عمر نزد من آمده و گفته که در روز جنگ یمامه مردم زیادی کشته شده اند و من می ترسم که حافظان قرآن در جاهای دیگری نیز کشته شوند و به این ترتیب بسیاری از قرآن از دست برود و نظر من این است که قرآن را جمع آوری کنی. ابوبکر گفت من به عمر گفتم، چگونه می توانم کاری را انجام دهم که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام نداده، عمر گفت: قسم به الله که این کار نیک است و پیوسته عمر این مسأله را به من تذکر می داد تا این که الله متعال سینه ام را به این امر باز کرد و با عمر هم نظر شدم. زید بن ثابت گفت: ابوبکر در حالی که عمر در نزدش نشسته بود و هیچ سخن نمی زد، خطاب به من گفت که تو مرد جوان و عاقلی هستی و متهم به هیچ چیزی نیستی و از جمله کاتبان وحی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم بودی؛ پس قرآن را جست و جو کرده و آن را جمع آوری کن. قسم به الله اگر من را به جمع آوری یکی از کوه ها مکلف می نمود، برایم دشوارتر از جمع آوری قرآن نبود؛ بناءً خطاب به ابوبکر و عمر

گفت: چگونه کاری را می‌کنید که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نکرده، ابوبکر گفت: قسم به الله این کار نیکی است. من پیوسته این مسأله را با ابوبکر دنبال می‌کردم تا آن که الله متعال سینه‌ام را به آن چه سینه ابوبکر و عمر را گشوده بود، گشود. برخاستم و شروع به جست‌وجو و جمع‌آوری قرآن از منابع مختلف؛ به‌شمول: پارچه‌های چرمی، لوحه‌های ساخته‌شده از شانه‌های شتر، لوحه‌های چوبین و سینه‌های مردم نمودم تا آن که دو آیت از سوره توبه را تنها نزد خزیمه انصاری یافتیم و آن را نزد کس دیگری غیر از او نیافتیم: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾ تا اخیر این دو آیت. این مصحف‌های جمع‌آوری شده نزد حضرت ابوبکر نگهداری می‌شد تا آن که الله متعال جانش را گرفت؛ سپس نزد حضرت عمر تا آن که الله متعال جان او را نیز گرفت و سپس نزد حفصه بنت عمر. از متن این روایت روشن است که این کار در زمان حضرت ابوبکر رضی‌الله‌تعالی‌عنه صورت گرفته و این نیز واضح است که پارچه نوشته‌شده‌ای که نزد خزیمه یافت شده بود در آن دو آیت اخیر سوره توبه نوشته شده بوده: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾

ب- «4604- موسی به‌نقل از ابراهیم و وی از ابن شهاب به ما گفت که انس بن مالک به او گفت که حدیفه بن یمان نزد حضرت عثمان آمد. حدیفه که سرگرم جنگ با مردم شام در فتح ارمنستان و آذربایجان همراه با مردم عراق بود، از اختلاف مردم در قرأت قرآن سخت نگران شد و نزد عثمان آمد و به وی گفت: ای امیرالمؤمنین به داد این امت برس، پیش از آن که مانند یهود و نصارا در کتاب خویش اختلاف ورزند. عثمان کسی را نزد حفصه فرستاد و از وی خواست مصحف‌هایی را که نزد خود نگهداری می‌کند به او بفرستد تا از روی آن نسخه‌برداری نماید و گفت که آن را مجدداً برای خودت برمی‌گردانیم. حفصه آن را به حضرت عثمان فرستاد و حضرت عثمان به زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام دستور داد تا از روی آن نسخه‌برداری کنند. حضرت عثمان به سه نفر قریشی این هیئت گفت در صورتی که شما و زید بن ثابت در چیزی از قرآن اختلاف داشتید، در این صورت آن را با زبان قریش (لهجه قریش) بنویسید؛ زیرا قرآن به زبان آنان نازل گردیده است. زمانی که آنان از روی قرآن نسخه‌برداری را تمام کردند، نسخه اصلی را مجدداً به حفصه فرستاد. حضرت عثمان سپس به هر طرف یک نسخه از آن را فرستاد و دستور داد هر مصحفی غیر از آن نسخه‌ها را بسوزانند.

ابن شهاب گفت که خارجه بن زید بن ثابت به‌من خبر داد که وی از بن ثابت شنیده که گفت: زمانی که از قرآن نسخه‌برداری می‌نمودیم، یک آیت از سوره احزاب را نیافتیم؛ درحالی که آن را من از خود رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیده بودم که تلاوت می‌نمود. در جست‌وجوی آن شدیم تا آن که آن آیت را نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم و آن آیت این بود: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾؛ سپس آن را به سوره مربوطه ملحق نمودیم.»

چنان که از متن روایت واضح است، این کار در زمان حضرت عثمان صورت گرفته و از روایت این نیز روشن است که پارچه نوشته‌شده‌ای را که نزد خزیمه یافته بودند، مربوط به سوره احزاب بوده: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾

با دقت نمودن به دو حدیث فوق که توسط بخاری روایت گردیده؛ یعنی سند هر دو صحیح می‌باشد، موارد زیر روشن می‌گردد:

1- در نخست باید گفت که هیچ یک از دو حدیث فوق در مورد روایت آیات به‌گونه متواتر گفته نشده؛ زیرا موضوع هر دو حدیث در خصوص کتابت است؛ نه تواتر حفظ آیات؛ چنانچه هر آیت توسط جمعی از اصحاب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم حفظ

شده بود؛ بلکه هدف اصحاب این بود که دقیقاً همان رسم الخط قرآن کریم را انتقال دهند که در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شده بود؛ زیرا آنان نمی خواستند مردم آن چه را حفظ کرده اند بنویسند و در نتیجه منجر به اختلافات در میان شان شود؛ بلکه می خواستند دقیقاً همان رسم الخطی که در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شده بود انتقال داده شود و این نشان گر حرص زیاد آنان و توفیقی است که الله سبحانه و تعالی به آنان عنایت کرده بود، الهی که می فرماید: **﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾**؛ به همین دلیل است که حکم شرعی مبنی بر عدم جواز چاپ مصحف؛ مگر این که مطابق به مصحف عثمانی باشد، استنباط گردید.

2- بدون شک جمع آوری پارچه‌هایی نوشته شده در زمان حضرت ابوبکر و شرط گذاشتن شهادت دو شاهد برای صحت آن نوشته صحیح است. اما کاری که در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه صورت گرفت، این بود که از روی پارچه‌های جمع آوری شده در زمان خلافت حضرت ابوبکر صدیق در چندین مصحف نسخه برداری صورت گرفت. پارچه‌ها در آن زمان نزد حفصه رضی الله تعالی عنها نگهداری می شد و حضرت عثمان، زید و سه تن دیگری که با او بودند را مکلف نمود تا چندین نسخه از روی آن پارچه‌ها بنویسند.

امکان مفقود شدن هیچ پارچه‌ای در زمان نسخه برداری آن در خلافت حضرت عثمان وجود ندارد. این امکان؛ یعنی مفقود شدن پارچه‌ای که بالای آن، دو آیت اخیر سوره توبه نوشته شده بود، تنها در زمان جمع آوری آن در خلافت حضرت ابوبکر ممکن است و بس. ممکن نیست این کار در زمان نسخه برداری در خلافت حضرت عثمان صورت گرفته باشد؛ زیرا جمع آوری پارچه‌ها در زمان خلافت حضرت ابوبکر اتفاق افتاد؛ نه در زمان خلافت حضرت عثمان؛ البته در زمان خلافت حضرت عثمان کار نسخه برداری صورت گرفت. بنابراین، بخش اخیر حدیث شماره 4604 بخاری از نظر درایت رد می شود: «ابن شهاب گفت که خارجه بن زید بن ثابت به من خبر داد که وی از بن ثابت شنیده که گفت: زمانی که از قرآن نسخه برداری می نمودیم یک آیت از سوره احزاب را نیافتیم؛ در حالی که آن را من از خود رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده بودم که تلاوت می نمود. در جست و جوی آن شدیم تا آن که آن آیت را نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم و آن آیت این بود: **﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾**؛ سپس آن را به سوره مربوطه ملحق نمودیم.»

2. در مورد مسأله دوم که آیا صحابی‌یی که زید آن دو آیت سوره توبه را نزد وی یافت و در نزد هیچ کس دیگری جز او نیافت، خزیمه بوده و یا ابو خزیمه؟ چنین پاسخ داده می شود:

- بخاری این دو روایت را روایت کرده که (4311) و (4603) می باشند.

در روایت 4311 که قبلاً تذکر یافت چنین گفته شده: «برخاستم و شروع به جست و جو و جمع آوری قرآن از منابع مختلف؛ به شمول: پارچه‌های چرمی، لوحه‌های ساخته شده از شانه‌های شتر، لوحه‌های چوبین و سینه‌های مردم نمودم تا آن که دو آیت از سوره توبه را تنها نزد خزیمه انصاری یافتیم و آن را نزد کس دیگری غیر از او نیافتیم: **﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ\* فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾**

- و اما متن حدیث شماره 4603 چنین است: «موسی بن اسماعیل به نقل از ابراهیم بن سعد و وی به نقل از ابن شهاب و وی به نقل از عبید بن سباق روایت نموده که زید بن ثابت رضی الله عنه گفت که حضرت ابوبکر خبر کشته شدن مردم یمامه را به من گفت؛

درحالی که عمر نزد وی بود گفت که عمر نزد من آمده و گفته که در روز جنگ یمامه مردم زیادی کشته شده‌اند و من می‌ترسم که حافظان قرآن در جاهای دیگری نیز کشته شوند و به این ترتیب، بسیاری از قرآن از دست برود و نظر من این است که قرآن را جمع‌آوری کنی. حضرت ابوبکر گفت من به عمر گفتم چگونه می‌توانم کاری را انجام دهم که رسول الله صلی الله علیه و سلم انجام نداده، عمر گفت: قسم به الله که این کار نیکی است و پیوسته عمر این مسأله را به من تذکر می‌داد تا این که الله متعال سینه‌ام را به این امر باز کرد و با عمر هم‌نظر شدم. زید بن ثابت گفت: حضرت ابوبکر خطاب به من گفت که تو مرد جوان و عاقلی هستی و متهم به هیچ چیزی نیستی و از جمله کاتبان وحی برای رسول الله صلی الله علیه و سلم بودی؛ پس قرآن را جست‌وجو کرده و آن را جمع‌آوری کن. قسم به الله اگر من را به جمع‌آوری یکی از کوه‌ها مکلف می‌نمودم برایم دشوارتر از جمع‌آوری قرآن نبود؛ بناءً خطاب به حضرت ابوبکر و حضرت عمر گفت: چگونه کاری را می‌کنید که رسول الله صلی الله علیه و سلم نکرده، ابوبکر گفت: قسم به الله این کار نیکی است. من پیوسته این مسأله را با ابوبکر دنبال می‌کردم تا آن که الله متعال سینه‌ام را به آن چه سینه ابوبکر و عمر را گشوده بود، گشود. برخاستم و شروع به جست‌وجو و جمع‌آوری قرآن از منابع مختلف؛ به‌شمول: پارچه‌های چرمی، لوحه‌های ساخته‌شده از شانه‌های شتر، لوحه‌های چوبین و سینه‌های مردم نمودم تا آن که دو آیت از سوره توبه را تنها نزد خزیمه انصاری یافتیم و آن را نزد کس دیگری غیر از او نیافتیم: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾ تا اخیر این دو آیت. این مصحف‌های جمع‌آوری شده نزد حضرت ابوبکر نگهداری می‌شد تا آن که الله متعال جانش را گرفت؛ سپس نزد حضرت عمر تا آن که الله متعال جان او را نیز گرفت و سپس نزد حفصه بنت عمر.

با دقت نمودن و تدبر در محتوای این دو حدیث واضح می‌شود که صحابی مورد نظر خزیمه بن ثابت انصاری بوده و نه ابو خزیمه. دلیل آن، این است که حضرت ابوبکر رضی الله تعالی عنه برای پذیرفتن پارچه مورد نظر شرط گذاشت که دو شاهد باید شهادت دهند که این پارچه در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شده است. زید برای هر آیت نوشته شده‌ای دو شاهد دریافت به جز دو آیت اخیر سوره توبه، که این دو آیت را به صورت مکتوب فقط نزد خزیمه و در روایت دیگری نزد ابو خزیمه یافت و نتیجه این شد که پارچه مذکور مورد اعتماد قرار گرفت و پذیرفته شد. بنابراین، کسی که این پارچه نزد وی یافت شده باید شهادت‌اش در ازای دو شهادت پذیرفته شود؛ درغیرآن پارچه‌ای که نزد وی یافته شده بود بر اساس شرطی که حضرت ابوبکر گذاشته بود، مورد اعتماد قرار نمی‌گرفت.

کسی که در روایتی صحیح از رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته شده که شهادت‌اش معادل شهادت دو نفر است؛ همانا خزیمه بن ثابت انصاری است و انگار این روایت صحیح برای این حالت بوده؛ یعنی حالت جمع‌آوری پارچه‌هایی که قرآن کریم روی آن نوشته شده است. چه پاک و منزّه است آن ذات عزیز و حکیمی که کتاب‌اش را هم از نظر تلاوت و هم از نظر رسم‌الخط حفظ نموده است. حدیثی که در مورد خزیمه گفته شده چنین است:

**ترجمه:** احمد در مسند خویش و ابو داود در سنن خویش چنین روایت نموده‌اند؛ البته الفاظ آن از احمد است: «ابوالیمان از شعیب و شعیب از الزهیری و وی از عماره بن خزیمه انصاری و او از کاکایش که از جمله اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم بود، چنین روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم اسپی را از یک مرد بادیه‌نشین خریداری نمود و از آن مرد خواست وی را دنبال کند تا بهای اسپ‌اش را برایش بپردازد. رسول الله صلی الله علیه و سلم با سرعت رفت؛ اما آن مرد بادیه‌نشین آرام‌آرام می‌رفت، در این میان مردانی به سراغ آن بادیه‌نشین آمدند و با چانه‌زدن سعی نمودند آن اسپ را از وی خریداری کنند؛ درحالی که



نمی‌دانستند رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش از آنان اسپ را خریداری نموده تا این که بعضی از آن مردان حاضر شدند قیمت بیش‌تر از آن چه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم اسپ را خریداری نموده بود، در بدل آن اسپ بپردازند. بادیه‌نشین (که این پیشنهاد را شنید) خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم فریاد زد که اگر خریدار اسپ هستی آن را بگیر در غیر آن، من اسپ را به دیگری خواهم فروخت. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم سخن وی را شنید ایستاد و برایش گفت: مگر من آن را از تو خریداری نکردم؟ بادیه‌نشین گفت: نخیر، قسم به الله که من آن را به تو نفروختم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: نخیر چنین نیست، من آن را از تو خریدم. درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم و آن مرد بادیه‌نشین در این مورد هم‌دیگر را ملامت می‌کردند، مردم در اطرافشان جمع شدند، بادیه‌نشین سرانجام به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت یک شاهد بیاور که شهادت دهد من این اسپ را به تو فروخته‌ام، جمعی از مسلمانانی که آن جا جمع شده بودند، خطاب به آن بادیه‌نشین گفتند، وای بر تو رسول الله هرگز چیزی به جز حق نمی‌گوید. تا این که خزیمه از راه رسید و بگومگوی رسول الله صلی الله علیه وسلم و آن بادیه‌نشین را شنید و متوجه شد که بادیه‌نشین به رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌گوید، شاهدی بیاور که شهادت دهد، من این اسپ را به تو فروخته‌ام، خزیمه گفت من شهادت می‌دهم که تو این اسپ را به رسول الله فروخته‌ای، رسول الله به خزیمه روی کرد و پرسید: بر اساس چه دلیلی شهادت می‌دهی؟ خزیمه گفت: بر اساس تصدیقات یا رسول الله، (یعنی بر اساس این که می‌دانم تو هرگز دروغ نمی‌گویی)؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم شهادت خزیمه را معادل شهادت دو مرد قرار داد.»

این حدیث را حاکم نیز در مستدرک روایت نموده و گفته: اسناد این حدیث صحیح است و کسانی که آن را روایت کرده‌اند به اتفاق شیخین ثقه می‌باشند.

تمام موارد فوق‌الذکر ثابت می‌کند، پارچه‌ای که دو آیت اخیر سوره توبه بالای آن نوشته شده بود و تنها در نزد یک نفر یافت گردیده بود، آن فرد بدون شک خزیمه بوده؛ نه ابو خزیمه؛ زیرا آیت مذکور براساس اعتبار شهادت‌دهنده آن پذیرفته شده بود که شهادت وی معادل شهادت دو تن است و این مسأله در مورد خزیمه صدق می‌کند؛ نه ابو خزیمه. به نظر می‌رسد راویان در مورد نام خزیمه و ابو خزیمه دچار سردرگمی شده بودند و این کار هرازگاهی اتفاق می‌افتد. در حال فرد مورد نظر، خزیمه بن ثابت انصاری است؛ چنان که گفته شد.

به این ترتیب، پاسخ داده شده، پرسش شما و دو مسأله فوق‌الذکر را در برمی‌گیرد والله أعلم و أحکم!

**برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته**

**12 ربیع الأول 1441 هـ.ق.**

**9 نومبر 2019 م.**

**مترجم: عبدالله دانشجو**